

مدیریت اجرای جرم محاربه و مقایسه با دیگر جرایم علیه امنیت

محسن فاتح^۱، محمدحسین پوریانی^۲

۱- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد نراق

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق

چکیده

اسلام همیشه برای امنیت و آسایش جامعه ارزش فراوانی قائل شده است و از ابتدای شکل گیری جامعه اسلامی، امنیت همواره در کانون توجه آن بوده است. در این خصوص در حقوق ایران نیز با اسلامی شدن قوانین و به خصوص حقوق کیفری، مقررات سختی راجع به جرایم علیه امنیت وضع شده است. همچنین به تفکیک جرم محاربه از افساد فی الارض و بغی پرداخته و مفهوم امنیت را به صورت گسترده مد نظر قرار داده از امنیت فردی و اجتماعی گرفته تا امنیت عمومی و ملی که در صورت عدم آن آزادی هم محقق نمی شود و جهان بدون امنیت جهان دست اندازی به دیگران خواهد بود. در این پژوهش سعی شده است تا با روش توصیف به بررسی مفهوم جرم محاربه و مقایسه با دیگر جرایم علیه امنیت پرداخته شود. نتایج این مطالعه نشان داد که در مقایسه محاربه با سایر جرایم جایگاه حساس تری داشته و با وجود تفاسیر مختلفی که از محاربه می شود ممکن است امنیت جامعه را به خطر بیاندازد تعریف مؤلفه ها و دامنه ی امنیت، چگونگی وقوع ناامنی، دامنه و محدوده ناامنی، تعریف مشخص و متیقن از فضا و محیطی که ناامن واقع می شود، می بایست مورد لحاظ قرار گیرد. باید اصطلاح ناامنی که در جامعه رخ داده است، به وضوح و با قرائن منطقی، آشکار شود. تعریف مؤلفه ها و دامنه ی امنیت، چگونگی وقوع ناامنی، دامنه و محدوده ناامنی، تعریف مشخص و متیقن از محیطی که ناامن واقع می شود، می بایست مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

واژگان کلیدی: محاربه، جرایم علیه امنیت، اسلام

۱- مقدمه

موضوع محاربه از ابتدای شکل‌گیری حکومت اسلامی تا به هم اکنون همواره محل بحث و بررسی فقهای اسلامی بوده و در حقوق کیفری ایران نیز پس از تقنین آن به عنوان یکی از جرایم حدی، حائز اهمیت بوده است. با بررسی و تأمل در موضوع محاربه و هدف از اشارت به آن در قرآن کریم و نیز قوانین کیفری اسلامی می‌توان دریافت که آنچه در نظر شریعت اسلام هدف و مطمح نظر بوده، استقرار آرامش و تأمین امنیت در جامعه بوده است و به همین دلیل در حقوق کیفری ایران نیز محاربه به عنوان یکی از جرایم ضد امنیت ملی قلمداد شده است (میوه یان، ۱۳۹۷). پرداختن به این موضوع یکی از مهمترین موضوعات مطروحه در حقوق کیفری است. به خصوص در جهانی که امنیت جوامع چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی به یکی از پیچیده‌ترین بحث‌ها و دغدغه‌ها تبدیل شده است. از آنجائی که موضوع امنیت از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و همچنین به خاطر ایجاد و حفظ نظم و انضباط عمومی، این موضوع می‌بایست مورد بحث و امان نظر بیشتر قرار گرفته تا زوایای مختلف آن روشن شده و با مسائل روز تطبیق گردد. محاربه به معنای کلی آن، یعنی برهم زدن نظم عمومی جامعه و اعلام جنگ با حکومت اسلامی از طرق مختلف از قبیل استفاده از سلاح‌های گرم و سرد و غیره، جهت ارباب مردم و تشویش اذهان عمومی و ایجاد اختلال در نظم جامعه توسط فرد یا افراد یا گروه‌های سازمان یافته. به دیگر سخن، کسی که سلاح در دست گرفته و به سوی گروهی از مردم نشان رفته است و تنها قصد سلب امنیت مردم را دارد، اگر قصد جان یا مال یا ناموس مردم را داشته باشد، به طریق اولی، محارب است و از این طریق نیز قطعاً امنیت و آسایش عمومی سلب می‌شود (رهبرپور و محمدی، ۱۳۹۷). نوشتار حاضر با توجه به اهمیت موضوع امنیت و هدف و ابزارهای تأمین آن و نیز جایگاه و نقشی که در حقوق اسلامی و حقوق کیفری دارد، در جهت تبیین نقش و جایگاه امنیت و نیز ملاحظات آن که در خصوص جرم محاربه و مجازات آن و نیز اهمیت زیادی که برای آن در حقوق اسلام قائل شده‌اند سعی در تبیین مبانی فقهی و حقوقی جرم محاربه و جایگاه امنیت در تحقق این جرم داشته، بلکه از این رهگذر تحقیقی جامع و مبسوط فراهم آورد. به دلیل اهمیت وافری که ارتکاب جرم محاربه بر جامعه و امنیت آن دارد و بسیاری از حقوق شهروندان و حکومت با ارتکاب این جرم، نقض شده است، نگارنده در تحقیق پیش رو به دنبال تبیین ارکان مادی و روانی این جرم است. هر چند که رکن قانونی این جرم نیز خود نیاز به بررسی‌های لازم را دارد اما به دلیل آنکه قانون‌گذار خود به تصریح آن پرداخته و نحوه تحقق رکن قانون را بیان نموده در این تحقیق صرفاً به دنبال بررسی، کاوش، تبیین و تحلیلی بر ارکان مادی و معنوی این دو جرم می‌باشیم. هرچند در قانون مجازات اسلامی سابق (سال ۱۳۷۰) عنوان جرایم با سابقه «محاربه» و «افساد فی الارض» به شیوه‌ای مناسب از هم تفکیک نشده بودند ولی در قانون ۱۳۹۲ بود این دو جرم تا حدود مناسبی از هم تفکیک و خود به تحقیقی کامل و جامع به حقوقدانان و پژوهشگران کمک خواهد نمود ولی در هر حال قانونگذار در مواد مختلفی در قوانین کیفری، عنوان افساد فی الارض را که در حال حاضر مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات برای برهم زدن نظم و امنیت کشور می‌شناسیم، به رسمیت شناخته بود. در خصوص ارتباط بین ارکان مادی و روانی محاربه و تاثیر آن بر امنیت جامعه

بدو قابل ذکر است که در بسیاری از جرایم اصول و ارکان مشترکی موجود است شاید بتوان ارتباط بین ارکان جرم محاربه و تاثیر آن بر امنیت را بیشتر در نتیجه آن دانست همانند اینکه هر دو جرم می‌توانند باعث اخلال در جامعه شود ولی به شیوه‌های متفاوت از هم این عمل اتفاق بیفتد. در هر صورت در پژوهش در دست انجام محقق هم دیدگاه فقهی را در این باره بررسی می‌کند و هم دیدگاه خود را به عنوان یک محقق پیوستگی ارکان این جرم و ارتباط آن با امنیت جامعه و پیامدهای آن را بیان خواهد نمود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶). هم ردیف بودن دو جرم محاربه و افساد فی الارض در برهه‌ی ارزش‌مان و تفکیک آن در دوره‌ای دیگر و همچنین ضرورت تجزیه جرم انگاری فقهی آنها و ورود این دو جرم به قوانین حکومتی باعث گردیده است تا محقق ضرورتی را بیابد که به تحقق در مورد این جرم پردازد. هر چند که تحلیل این دو ضرورت و بیان ضرورت آن می‌تواند به قانون‌گذار و مسولین مرتبط در تحقق قانون‌گذاری حاکی از احترام به حقوق شهروندان کمک کند. هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی مدیریت و اجرای جرم محاربه و مقایسه با دیگر جرایم علیه امنیت است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

۲- روش تحقیق

روش بررسی مورد استفاده در این مطالعه توصیفی است که با تحلیل محتوای برخی از منابع مرتبط با موضوع تحقیق از طریق جستجو در اسناد کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اینترنتی به دست آمده است.

۳- نتایج

-محاربه از منظر فقه و حقوق

محاربه و افساد فی الارض جزو جرائم و گناهای است که دارای مجازات خاص و معین شرعی بوده و از این جهت، در حوزه حدود (مجازات‌هایی که کمیت و کیفیت آنها در شرع مشخص شده است) جای می‌گیرد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره جرم انگاری فساد فی الارض در ماده ۲۸۶ چنین آورده است:

«هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود» (هادیان و همکاران، ۱۳۹۶).

-پیشینه فقهی محاربه

فقه‌های اسلام چه شیعه و چه اهل سنت، به تعریف جرم محاربه و بحث و بررسی در آن پرداخته‌اند: با تحقیق و تدقیق در آرای فقه‌های امامیه مشخص می‌شود که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها محاربه را «تجرید یا تشهیر سلاح به قصد ترساندن مردم» دانسته‌اند. البته شیخ طوسی در «المبسوط فی فقه الامامیه»، ابتدا نظر فقه‌های اهل سنت را که قاطع‌الطریق را محارب می‌دانند، بیان می‌کند اما پس از آن، با قبول و ذکر قول مشهور فقه‌های امامیه، محارب را

کسی می‌داند که با کشیدن سلاح، مردم را می‌ترساند. ایشان در کتاب "خلاف" به نظریه غالب فقهای اهل سنت - که محارب را قطاع الطريق می‌دانند - نزدیکتر شده و می‌فرماید: «محاربانی که خداوند در آیه محاربه ذکر کرده، همان قطاع الطريق اند که سلاح کشیده و راهها را ناامن می‌کنند و به ارباب رهگذران می‌پردازند».

همچنین، ایشان در کتاب "نهایه"، تعریف مشهور فقهای امامیه را پذیرفته و می‌گوید: «محارب کسی است که سلاح ظاهر کند و از اهل «ریبه» باشد، در شهر باشد یا در غیر آن، در بلاد اسلام باشد یا در بلاد کفر، در شب باشد یا در روز؛ پس هرگاه چنین کرد محارب است» (هادیان و همکاران، ۱۳۹۶).

اما صاحب جواهر در کتاب خویش به نحو مبسوط، موضوع را مورد مذاقه قرار داده و با عبارات و کلام فقهی گویا، مفهوم و مصادیق محاربه را به نحو دقیق و روشن مرزبندی کرده است. در واقع ایشان بر این عقیده است که کیفر محارب در جایی فعلیت می‌یابد که هر دو عنوان، یعنی «مفسد فی الارض متصف به وصف محاربه» بر مورد صادق باشد و هر کدام به تنهایی، موضوع حکم واقع نمی‌شوند، همانند راهزنان مسلح که امنیت و آسایش عمومی جامعه را سلب می‌کنند، برخلاف آنان که به طور مستقیم در راهزنی دخالت ندارند. اما در بحث مذاهب اهل سنت و به خصوص در مذهب امام شافعی محاربه این گونه تعریف شده است: محاربه عبارت است از ظاهر شدن جهت گرفتن مال یا ارتکاب قتل یا ایجاد هراس شدید به طوری که با تکیه بر قدرت و شوکت خویش امکان استغاثه و کمک خواهی را از دیگری سلب کند (علوی و فرزام فر، ۱۳۹۷). بدین ترتیب و با عنایت به مطالب مذکور، روشن می‌شود که برداشت فقها و مفسران شیعی در خصوص آیه ۳۳ سوره ی مائده، به جرم علیه امنیت عمومی، با برداشت اهل سنت چندان تفاوتی ندارد.

-پیشینه حقوقی محاربه

محاربه از جرایم حدی محسوب می‌شود، یعنی جرایمی که شرع ممنوعیت و مجازات آن را بیان کرده است. بنابراین قانون مجازات (اسلامی) ما این جرم را از شرع گرفته است و تلاش‌های فقها در بررسی جوانب مختلف این جرم تأثیر زیادی بر نحوه نگارش آن در قانون مجازات اسلامی داشته است. محاربه از جرایمی است که در حقوق کیفری ایران برگرفته از شریعت اسلامی و فقه امامیه است. قانون‌گذار در کنار این جرم، دو عنوان جزایی دیگر (افساد فی الارض و جرایم در حکم محاربه) را پیش‌بینی نموده است که پیشینه روشنی در شرع و فقه ندارد. صرف نظر از ابهام‌هایی که در این زمینه وجود دارد، پیدایش این جرم همانند دیگر جرایم به رکن‌های سه‌گانه قانونی، مادی و معنوی وابسته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در مواد ۱۸۳ و ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده بود که در ماده ۱۸۳ معیار رفتار و در ماده ۱۹۰ معیار کیفر پیش‌بینی شده بود. در حال حاضر محاربه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در ماده ۲۷۹ پیش‌بینی شده است که به آن پرداخته می‌شود (علوی و فرزام فر، ۱۳۹۸).

-پیشینه چگونگی مجازات محارب

شیخ مفید معتقد است: هرگاه اهل فساد در سرزمین مسلمین، سلاح خود را آشکار کرده و اموال مردم را غارت کنند، امام (ع) مخیر است که از میان مجازات‌های اربعه یکی را انتخاب کند. از منظر ایشان، محارب با اظهار سلاح، اموال

مردم را از آن‌ها می‌ستانند. با وجود این، عده‌ای از فقهای امامیه همچون فقهای اهل سنت، برای مجازات محارب، قائل به قول تنويع حسب نوع جنایت واقعیه یا ترتیب، طبق مقتضای قاعده فقهی «الاسهل، فالاسهل» یا «الاصعب فالاصعب» متناسب با ماهیت و نتیجه رفتار ارتكابی‌اند، به این ترتیب که با توجه به عمل ارتكابی محارب، یکی از مجازات‌های چهارگانه قتل، صلب، قطع دست و پا به صورت مخالف و نفی بلد اعمال می‌شود. بر این اساس، اگر محارب سلاح کشیده و مرتکب قتل یا ضرب و جرح شود، قصاص و تبعید می‌شود. چنانچه سلاح بکشد و مالی ببرد، دست و پایش از جهت مخالف، قطع می‌شود، اما اگر کسی را به قتل نرساند، حاکم در نفی بلد، قتل، صلب (تصلیب) یا قطع دست و پای وی مخیر است (سالارزایی، ۱۳۸۸).

— بررسی و تبیین مبانی جرم انگاری محاربه در پرتو مفهوم امنیت

محاربه در اسلام

جرم محاربه از جمله جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی بوده که به عنوان جرم مستوجب حد، مورد تشریح شده است، که این جرم (به عنوان حد) مورد اتفاق تمام مذاهب اسلامی است. اما به رغم این توافق، در جزئیات و فروعات مسئله من جمله در تعریف محاربه و افساد فی الارض، دیدگاه‌های مختلف از جانب فقهای مذاهب اسلامی چه شیعه و چه سنی ابراز شده است، که در ادامه بحث به آن پرداخته می‌شود (هژیر، ۱۳۹۹).

محاربه در قرآن کریم

شأن نزول آیه ۳۳ سوره مائده:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده / ۳۳). یعنی همانا کسانی که با خدا و رسولش می‌ستیزند و در زمین به فساد می‌کوشند؛ جزایشان این است که کشته شوند یا به دار روند یا دست‌ها و پاهایشان یکی از چپ و دیگری از راست بریده شود و یا از آن سرزمین رانده شوند؛ این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت برایشان عذابی بزرگ خواهد بود.

در شأن نزول این آیه، اختلاف نظری شدید وجود دارد. در «کافی» و «تهذیب الاحکام» از ابی‌صالح، از امام جعفر صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «عده‌ای از قبیله بنی‌ضبه در حالی که همه بیمار بودند، به حضور حضرت رسول خدا (ص) رسیدند. حضرت به ایشان دستور داد چند روزی نزد آن جناب بمانند تا بیماری‌شان برطرف شود و بهبود یابند، آنگاه ایشان را به جنگ خواهد فرستاد. این عده می‌گویند: وقتی از مدینه خارج شدیم، رسول خدا (ص) ما را مأمور کرد تا در بیابان مدینه نزد شتران صدقه — که به عنوان زکات گرفته شده بود — برویم و شیر آنها را بخوریم و ما نیز چنین کردیم تا همه بهبود یافتیم و کاملاً نیرومند شدیم. امام (ع) اضافه کردند که این عده همین که نیرومند شدند، سه نفر از چوپان‌های رسول خدا (ص) را به قتل رساندند. رسول خدا (ص) امیرالمؤمنین (ع) را برای دستگیری و سرکوبی آنان روانه کرد. امیرالمؤمنین (ع) آنان را در یک وادی پیدا کرد که به حال سرگردانی افتاده بودند؛ چون

آن بیابان در نزدیکی های یمن بود و آنان نمی توانستند از آن وادی خارج شوند؛ پس مولا امیرالمؤمنین (ع) آنها را اسیر کرد و به نزد رسول خدا (ص) آورد. در اینجا بود که آیه شریفه مذکور، نازل شد.

علامه طباطبائی در تفسیر آیه مذکور چنین می فرماید: «محاربه و جنگ با خدا، شامل هر نوع مخالفت با حکم خدا و شرع می شود؛ اما همراه شدن محاربه با خدا به محاربه با رسول؛ اینگونه تداعی می کند که مراد از آیه محاربه، اخلال در امنیت عمومی جامعه اسلامی است که تحت ولایت و حکومت الهی پیامبر (ص) می باشد، مانند جنگ کفار با پیامبر (ص) و اخلال گری قطاع الطريق و راهزنان و مراد از فساد در زمین، قطع طریق و راهزنی است نه هر جنگ و محاربه با مسلمانان». به نظر می رسد آیه شریفه، در خصوص مطلق محاربه بحث نمی کند و نمی خواهد حکم همه گناهکاران را بیان کند؛ بلکه قراین مؤید این برداشت است که آیه ی مذکور به دنبال بیان حکم نوعی از محاربه است که از مصادیق فساد در زمین به شمار می آید. شاهد این مدعا، این است که به دنبال «يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» جمله ی «وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» ذکر شده که در حقیقت؛ تفسیر محاربه ای است که در این آیه منظور است. شاهد دیگر اینکه مجازات های مقرر در آیه؛ یعنی اعدام و به دار آویختن و قطع دست و پا برخلاف یکدیگر و تبعید با جرم های اجتماعی که شر آنها به جامعه می رسد، مناسب است؛ اما گناهایی که بین بنده و خداست و فقط شخص گناهکار زبان آن را می بیند با مجازات های مذکور در این آیه تناسب ندارد. از بیان فوق چنین استنباط می شود که آیه محاربه، هم شامل مسلمان می شود و هم کافر؛ چرا که ملاک اصلی برای مجازات های اربعه در آیه ی شریفه، ایجاد فساد در جامعه است. بنابراین، هر کس دارای هر نوع عقیده ای باشد و در پی فساد در جامعه باشد، باید به اندازه ی سنگینی جرمش مجازات شود و هم چنین، ذکر «وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» در مقام پاسخ دادن به جرم مفسدانی است که در صورت اعدام نیز به کیفر واقعی خود نمی رسند؛ لذا این گونه افراد پس از کیفر شدن در دنیا در آخرت نیز به عذاب بزرگی مبتلا خواهند شد. بنابر مطالب فوق، می توان گفت که آیه محاربه؛ بر هر کسی اطلاق می شود که تجرید و تشهیر سلاح کرده و به این نحو، موجب فساد در زمین گردد. البته حکم اشاره شده در این آیه، با توجه به میزان مجازات آن، اختصاص به نوعی مشخص از فساد دارد که با اساس احکام الهی و یا با حکومت اسلامی مخالفت داشته و یا با تشکیل باندهای فساد و توزیع مواد مخدر و یا با تشکیل باندهای فحشا درصدد نابودی حرث و نسل برآیند. در واقع، برای ترسانیدن مردم (چه یک نفر و یا گروهی) دست به اسلحه برده باشد که این گونه برداشت از آیه، با اجماع فقه های شیعه و تعداد کثیری از اهل سنت و نیز مفسران این دو تقویت می شود (شریفی و محبوب، ۱۳۹۱).

-نصوص شرعی محاربه

مستند اصلی فقها برای جرم محاربه چیست؟ اصلی ترین مستند فقها درباره جرم محاربه آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده است که می فرماید «همانا کیفر آنانی که با خدا و رسول او به پیکار برمی خیزند و در زمین دست به فساد می زنند این است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا پاهای آنها به صورت مخالف قطع شود یا از سرزمین خود نفی شوند...» (یغمایی، ۱۳۹۲).

-محاربه در قوانین موضوعه

با توجه به بیان قانون‌گذار در ماده ۲۷۹ و تبصره‌های آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، معلوم می‌شود که دو شرط اصلی که بدون تردید تحقق جرم محاربه موکول به تحقق آن‌ها شده است، لزوم وجود و قصد برهم زدن امنیت عمومی از جهت تأمین رکن روانی و نیز ضرورت بکارگیری سلاح از جهت تأمین رکن مادی می‌باشد (ملک آستانه و همکاران، ۱۳۹۴). ماده ی ۲۷۹ از «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲، محاربه را اینگونه تعریف کرده است: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هر گاه کسی با انگیزه ی شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه ی عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.

رکن مادی جرم

بر اساس حقوق کیفری، وقوع هر جرم نیازمند تحقق دو عنصر مادی و معنوی جرم است. به عبارت ساده، به لحاظ حقوقی جرم زمانی واقع می‌شود که اولاً فعل یا ترک فعلی در مغایرت با قانون صورت گرفته باشد و ثانیاً مرتکب آن فعل، قصد و نیت تحقق امری را متعاقب ارتکاب عمل مجرمانه داشته باشد. در خصوص جرم محاربه، عنصر مادی کشیدن اسلحه، هسته اصلی عنصر مادی جرم محاربه است که مقنن در ماده ۲۷۹ به آن اشاره کرده است.

موضوع جرم

موضوع جرم همان چیزی است که رفتار بر آن رخ می‌دهد. شناسایی موضوع جرم، هم در قانون و هم در نوشته های حقوقدانان با واژگانی چون "علیه" یا "ضد" شناختنی اند، مانند بزه های ضد اشخاص یا بزه های ضد اموال یا بزه های ضد امنیت ملی. موضوع بزه یا به چشم آمدنی است مانند تن که موضوع کشتن است یا اعتبار شدنی مانند پیوند مالکیت بین فرد و اموالش که موضوع کلاهبرداری و نیز امنیت ملی که موضوع جاسوسی یا طراحی برنامه براندازی است.

جرم محاربه، از جمله جرایمی است که امنیت در آن به طور مستقیم موضوع بزه قرار می‌گیرد که این ویژگی برای برخی از بزه هاست نه همه آنها که از آنها به بزه های بر ضد امنیت ملی (جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور) یاد می‌شود

وسیله جرم

محاربه در زمره ی جرائمی است که به کارگیری سلاح در آن نقش مهمی دارد. مهمترین مسئله که در این زمینه می‌شود مطرح کرد این است که مقصود از سلاح چیست؟ فقهای امامیه در این زمینه دارای سه دیدگاه متفاوت می‌باشند. گروه نخست مقصود از سلاح در این زمینه محدود به سلاح آهنین مانند شمشیر، نیزه و چاقو نموده‌اند. و در مصادیق سلاح آهنین، تفاوتی بین سلاح گرم (تفنگ) و سرد (مثل خنجر) قائل نشده‌اند، البته وسایلی چون سنگ و چوب و تازیانه را از شمل اسلحه خارج دانسته اند و همین دیدگاه مورد پذیرش اکثر فقهاء امامیه قرار گرفته است.

گروه دوم از فقها کسانی هستند که علاوه بر سلاح آهنین، مصادیق دیگری همچون سنگ، عصا و چوب که عرفاً سلاح تلقی نمی‌شوند را نیز برای تحقق محاربه کافی دانسته‌اند.

گروه سوم نیز در این زمینه کسانی هستند که استفاده از سلاح را تا به کار بردن زور و قهر و غلبه نیز توسعه داده‌اند. براساس این دیدگاه بطور کلی در محاربه بکار بردن وسیله‌ای مانند سلاح شرط نمی‌باشد. این شرط (کشیدن اسلحه در واقع وجه فارق جرم محاربه از بعضی دیگر از جرائم است. به عنوان مثال: سرقت مسلحانه و یا راهزنی و قطع طریق مردم در شهرها و جاده‌ها با استفاده از اسلحه، از مصادیق محاربه است که در نصوص فقهی و شرعی به آن اشاره شده است و صرفاً اسلحه کشیدن آن را از جرم سرقت جدا می‌کند. به همین جهت مفهوم مخالف ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی می‌رساند که در صورت نکشیدن سلاح توسط فرد، مرتکب عمل مجرمانه محارب نیست بلکه مرتکب جرم دیگری شده است مثل سرقت.

-نتیجه جرم

نگاه اجمالی به عناوین مجرمانه علیه امنیت کشور در قانون مجازات اسلامی و نیز قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نقش می‌دهد که تحقق بزه محاربه حصول نتیجه قطعی لازم نبوده و در جرم انگاری محاربه و جرایم در حکم محاربه همواره نتیجه ملموس و عینی مد نظر نبوده و از این نظر جرم محاربه با چنین محدودیتی روبه‌رو نبوده و قانون‌گذار تحقق این جرم را در قلمروهای مختلف قانون‌گذاری و بدون احساس ضرورت به تحقق شرایط اصلی این جرم امکان‌پذیر دانسته است.

البته در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی با اشاره به اینکه کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی که (موجب ناامنی در محیط گردد) جرم محاربه را منوط به تحقق ناامنی در محیط دانسته اما دامنه و حدود این ناامنی را مشخص نکرده و به صرف وجود کوچکترین احساس از ناامنی می‌توان جرم محاربه را محقق دانست. اما در خصوص مطلق یا مقید بودن محاربه - برخلاف قول مشهور، نظر برخی از فقها بر مقید بودن جرم محاربه به حصول نتیجه مجرمانه است، با این توضیح که عمل محارب باید موجب سلب امنیت و ایجاد رعب و هراس در میان مردم شود. از جمله فقهایی که نظر به مقید بودن محاربه داشته‌اند، صاحب جواهر است. از منظر وی، اگر محارب یک نفر باشد و یک نفر را بترساند، به گونه‌ای که در نتیجه اقدام وی، فساد فی‌الارض تحقق یابد، چنین شخصی محارب است. وی در جای دیگری به صراحت بیان می‌کند همان گونه که وقوع ترس در میان مردم بدون داشتن قصد اخافه از جانب کسی، موجب تحقق محاربه نمی‌شود، داشتن قصد اخافه و عدم وقوع رعب و هراس و اخذ مال نیز، محاربه محسوب نمی‌شود. برخی از مراجع نیز بر تقید جرم محاربه بر حصول نتیجه اعتقاد دارند. در بیان دلیل مقید بودن محاربه بیان شده است که حرمت محاربه به دلیل ایجاد خوف ناشی از اقدام محارب است، نه صرف اخافه. قانون‌گذار نیز در تعریف محاربه در ماده (۲۷۹) قانون مجازات اسلامی، نظریه مقید بودن را پذیرفته است و به صراحت بیان داشته که اقدامات محارب به نحوی موجب ناامنی در محیط شود.

-رکن معنوی جرم

تحقق بزه محاربه از دیدگاه اکثریت فقها همواره منوط به ایجاد شرایط اصلی آن بوده است. این شرایط که مهمترین آنها، وجود سوء نیت خاص در جهت بر هم زدن امنیت عمومی و (به کارگیری ابزاری که عرفاً سلاح تلقی شود) می‌باشد، همواره سبب می‌گردد تا دایره وقوعی این بزه محدود و محصور باشد.

-سوء نیت عام

برای تحقق عنصر روانی جرم محاربه، از یک سو باید (قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها) از سوی فرد احراز شود، بنابراین کسی که در حال خواب طبیعی یا مصنوعی، جنون، مستی یا بی اختیاری به روی مردم سلاح بکشد! فاقد سوء نیت عام می‌باشد و نمی‌توان گفت که مرتکب محاربه شده است.

-سوء نیت خاص

اگرچه برخی از فقها امامیه، قصد اخافه و ارباب را برای تحقق جرم محاربه ضروری ندانسته‌اند لیکن قانون‌گذار در ماده ۲۷۹ ق.م.ا به تبعیت از اکثریت فقهاء امامیه، لزوم تحقق سوء نیت خاص اخافه و ارباب را در این زمینه لازم دانسته است این بیان قانون‌گذار ما را ملزم می‌سازد تا در مواردی که مرتکب اقدام به انجام عملی نموده، لیکن قصد وی ترساندن و بر هم زدن امنیت عمومی مردم نبوده است، در تحقق محاربه تردید نمائیم. علاوه بر این، توجه و دقت به قصد مستقیم مرتکب در این زمینه بسیار مهم و تعیین کننده خواهد بود. در صورتی که عامل تعیین کننده در این زمینه تنها قصد مستقیم مرتکب دانسته شود، دایره تحقق محاربه محدودتر خواهد ماند و برعکس هرگاه علم مرتکب به این که انجام عمل مزبور باعث ایجاد اخافه و ترس بشود، دایره تحقق جرم محاربه گسترده‌تر خواهد شد. نکته مهم دیگری که مرتبط با تحقق قصد برهم زدن امنیت عمومی می‌باشد، عمومی بودن تهدید مرتکب است. محاربه زمانی محقق می‌شود که مرتکب دارای قصد خصومت نسبت به عده مخصوص نباشد، بنابراین هرگاه مرتکب براساس عداوت شخصی و با اقدام مسلحانه فرد یا افراد خاصی را به قتل برساند، عمل وی تنها به جهت جرائم علیه اشخاص قابل تعقیب است نه محاربه (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲).

-بررسی جرم محاربه در مقایسه با دیگر جرایم علیه امنیت

-مقایسه محاربه با بغی

اولاً: هر دو موضوع با حقوق اساسی مردم در ارتباط است؛ و ثانیاً: این دو موضوع مکمل و به‌ظاهر مشابه یکدیگرند، به‌طوری که گاهی اوقات در قانونگذاری و در بررسی‌های قضایی و حقوقی، مشتبه می‌شوند و تداخل پیدا می‌کنند.

-تفکیک محاربه از بغی

۱- تعریف محارب و باغی با هم فرق دارد؛ در زیر به چند نمونه از تعریف فقهی محارب اشاره می‌کنیم:

الف) «المحاربة هی تجريد السلاح برأ او بحراً، لیلاً او نهراً، لأخافة الناس فی مصر کان وغیره من ذکر او انشی قوٰی او ضعيف». محاربه عبارت است از: برهنه کردن سلاح، چه در خشکی باشد یا در دریا، شب باشد یا روز، به منظور ترساندن مردم، در شهر باشد یا غیر آن، از جانب مرد باشد یا زن، قوی باشد یا ضعیف.

ب) المحارب هو كل من جرد او جهزه لأخافه الناس واردة الأفساد في الأرض في بركان او في بحر، في مصر او غيره، ليلاً او نهاراً ويستوى فيه الذكر والأنثى. محارب کسی است که سلاح خود را برهنه کند و یا آن را برای ترساندن مردم و ایجاد فساد بر روی زمین، تجهیز و آماده سازد، در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا در غیر آن، شب باشد یا روز و مرد و زن در آن مساوی هستند.

اما در تعریف باغی، چنانکه گذشت، عباراتی مانند «كل من خرج على امام عادل» آمده است. همانطور که ملاحظه کردیم، در محارب، بحث از برهنه کردن سلاح و یا مجهز شدن به آن ترساندن مردم و ایجاد رعب و وحشت، مطرح است و حال آنکه در تعریف باغی، بحث از خروج عده ای است بر امام عادل و عدم تسلیم در برابر احکام و اوامر او، پس، از نظر تعریف، تفاوت بین این دو دسته روشن است.

۲ - کیفر محارب چنانکه در آیه ۳۳ سورة مائده آمده، چهار چیز است و حال آنکه کیفر باغی، تنها جنگیدن با اوست.

۳ - محارب ممکن است یک نفر یا چند نفر و بیشتر باشد، یعنی گاه به یک نفر نیز می توانیم عنوان محارب بنهیم چنانکه به یک دسته و گروهی نیز با اجتماع شرایط، محارب گفته شود، اما باغیان دسته جمعی هستند.

۴ - قصد محارب و باغی با هم فرق دارد. مقصود محارب از به دست گرفتن سلاح، ترساندن مردم به قصد جان، مال، ناموس مردم و .. میباشد و حال آنکه هدف اصلی باغی، براندازی حکومت اسلامی و قیام بر ضد شخص حاکم و امام است.

۵ - توبه محارب قبل از دستگیری قبول می شود و موجب سقوط حد از اوست (البته حق الناس به عهده او باقی می ماند و باید آن را بپردازد) ولی بعد از دستگیری، توبه اش قبول نمی شود اما توبه باغی در صورت نداشتن تشکیلات و تحزب بعد از اسارت نیز قبول است. (سرخه، ۱۳۹۳).

به نظر می رسد که علت مطرح نشدن بحث باغی در قوانین جزایی (به خصوص تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)، موارد زیر باشد:

الف) فقهای شیعه از شیخ صدوق (متوفی ۳۲۹ هـ) تا مرحوم صاحب جواهر (متوفی ۱۲۶۶) مبحث باغی را در کتاب جهاد مطرح کرده اند. و می دانیم که جهاد یعنی جنگ و قتال با عده ای که به صورت مسلحانه در برابر سپاه اسلام قرار گرفته باشند و حال آنکه بحث محارب را در کتاب حدود طرح کرده اند. بدیهی است، قوانین جزایی باید به مسائلی بپردازد که جنبه قضایی داشته باشد، در حالی که، مسائل مربوط به جهاد از جمله سیاست خارجی و داخلی اسلام به شمار می رود.

ب) شاید به این خاطر بوده که قانونگذاران ما، وقتی به تحقیق پیرامون باغی پرداختند، به این نتیجه رسیدند که بین فقهای شیعه در تعریف باغی اختلاف وجود دارد. این اختلاف اساسی پیرامون کلمه امام است که مراد از کلمه امام کیست، آیا منظور امام معصوم (علیه السلام) است یا امام عادل، چنانکه قبلاً گفته شد، بعضی مانند شهید اول و شهید ثانی و مرحوم صاحب جواهر آورده اند که مراد، امام معصوم (علیه السلام) است. این تردید باعث شد که تا آنها

احکام باغی را در قوانین جزایی مطرح نکنند، زیرا اگر مراد از امام، امام معصوم (علیه السلام) باشد. دیگر در زمان غیبت کبری، باغی نخواهیم داشت.

ج) ممکن است به این علیت باشد که منابع اصلی نویسندگان قوانین جزایی کتب فقهی شیعه بوده است و آنان نیز قهراً سراغ کتاب حدود رفته اند و در قبل گفته شد که بحث باغی در بخش حدود نیامده است و لذا آنها نیز متعرض این بحث نشده اند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲).

– وجوه افتراق بغی و محاربه

۱- محارب فردی است که به قصد بر هم زدن امنیت عمومی و ایجاد رعب و وحشت عمومی دست به اسلحه می‌برد اما باغی فردی است که علیه امام زمان خروج کرده ولو آنکه قصد ارباب و اخافه را برای مردم نداشته باشد.

۲- برای تحقق جرم بغی به کار بردن وسیله اعم از اسلحه غیر از آن ضروری نیست لیکن برای تحقق جرم محاربه استفاده از اسلحه ضروری است.

۳- مجازات بزه محاربه دارای تفاوت‌های زیادی با مجازات جرم بغی باشد. مجازات محاربه همان انواع چهار گانه می‌باشد که در ماده ۲۸۰ ق.م.ا ذکر شده است اما برای عمل باغی حد شرعی خاص تعیین نگردیده است و تنها در جهت مبارزه با باغیان دستور قتال و جهاد داده شده است و به همین دلیل فقهاء آن را در بحث جهاد مطرح کرده‌اند.

۴- تحقق بزه بغی به صورت فردی امکان‌پذیر نبوده و به همین دلیل حرکت باغیان بصورت گروهی صورت می‌گیرد لیکن بزه محاربه بصورت فردی و گروهی امکان‌پذیر می‌باشد.

۵- توبه مرتکب جرم محاربه پس از دستگیری به عنوان عذر قانونی پذیرفته نمی‌شود ولی توبه باغی پذیرفته می‌شود مگر این که دارای تشکیلاتی باشند و منهدم نشده باشد.

۶- برای تحقق جرم محاربه تفاوتی بین مسلمانان و غیرمسلمانان نمی‌باشد ولی در جرم بغی، باغی خود مسلمان است لیکن امام معصوم را به خاطر شبهه ایی که از او دارد قبول نمی‌کند. از آنچه که درباره مفاهیم محاربه و بغی بیان شد معلوم می‌شود که مهمترین تفاوت عمل مجرمانه فرد محارب فرد محارب نسبت به باغی به اختلاف آن‌ها در هدف برمی‌گردد، ارتکاب بزه محاربه قصد اقدام علیه امنیت و آسایش مردم و ایجاد رعب و وحشت عمومی انجام می‌پذیرد اما بغی به جهت خروج علیه امام معصوم انجام می‌شود، هرچند مرتکب قصد ارباب و اخافه مردم را نداشته باشد برخی از مواد مربوط به جرم محاربه در کتاب حدود از قانون مجازات اسلامی نشانگر این است که قانون‌گذار در برخی از مواد قانونی به داخل نمودن عناوین مجرمانه بغی و محاربه در یکدیگر اقدام نموده است، با توجه به بیانی که درباره ارکان اصلی تشکیل دهنده جرم محاربه مطرح شده به خوبی معلوم می‌شود که قانون‌گذار در ماده ۲۸۰ ق.م.ا یکی از مصادیق جرم بغی را در قالب جرم محاربه مطرح کرده است و حکم محاربه را تنها محدود به کسانی که در قیام مسلحانه شرکت نموده‌اند، ندانسته، بلکه تمامی اعضا و هواداران آن‌ها را نیز مشمول عنوان محاربه دانسته است هر چند که در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند و علاوه بر آن قانون‌گذار در عناوین مجرمانه طرح براندازی حکومت و نامزدی پست در حکومت کودتا را نیز همین سیاست کیفری را اعمال نموده است. این اختلاط مفاهیم

سبب شده تا دایره و قومی عنوان مجرمانه محاربه از محدوده فقهی آن تا حوزه‌های مختلف گسترش یابد. لازم به یادآوری است که رابطه میان باغی و محارب، عام و خاص من وجه است یعنی در بعضی موارد می‌توانیم هر دو عنوان را یکجا بکار ببریم و بگوئیم گروه مورد نظر، هم محارب و هم باغی هستند (مستجاب الدعواتی و محمدی فر، ۱۳۹۷).

– مقایسه محاربه و افساد فی الارض

محاربه و افساد فی الارض یکی از اقسام حدود می‌باشند. محارب اسم فاعل از باب مفاعله می‌باشد که ریشه آن حرب است و حرب در لغت به معنای جنگجو و پیکارگر است. افساد نیز از ریشه فسد به معنای تباهی، فتنه، نابودی و ... آمده است. عده ای افساد فی الارض و محاربه را دو جرم مستقل می‌دانند و عده ای مخالف این عقیده هستند.

شایسته ذکر است که در آیه ی ۳۴ سوره ی مائده، علاوه بر محاربه ی با خدا و رسول از «افساد در زمین» نام برده شده است. به کار رفته شدن دو عنوان «محاربه» و «افساد فی الارض» در آیه این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا آیه در مقام بیان دو عنوان مستقل از هم می‌داند؟ در این رابطه چنین به نظر می‌رسد که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران افساد فی الارض را جرمی مستقل از محاربه می‌داند. چراکه در قوانین مختلف از قبیل: قانون اخلاط‌الگران اقتصادی، قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون عبوردهندگان از مرزها و... به این موارد اشاره نموده است.

بنابراین انواع دیگری از افساد فی الارض هم وجود دارد که از حکم محارب خارج هستند زیرا (واو) عطف که در آیه ی مذکور وارد شده است دلالت بر مغایرت معطوف با معطوف علیه دارد و لیکن چون مجازات مفسد در آیه قبل آمده حاکی از آن است که محاربه نوعی افساد فی الارض است. چنانچه در کتب تفسیر هم در معنای (اذ فساد فی الارض) آمده است که منظور از آن شرک یا قطع طریق یا زنا محصنه و غیر آن از اسباب و موجبات قتل می‌باشد، فقها نیز فساد در زمین را منحصر به محاربه ندانسته و علاوه بر موارد بالا، در باب آدم ربایی، کفن دزدی، اخذ مال از طریق پیام جعلی، آتش زدن منزل دیگری، اعتیاد به کشتن اهل ذمه و عبید نیز عنوان «مفسد فی الارض» را به کار برده اند.

آیت الله مکارم شیرازی در استفتائات جدید خود افساد فی الارض و محاربه را دو عنوان مترادف ندانسته بلکه آن دو را متفاوت قلمداد کرده است.

فیض کاشانی در تفسیر خود محاربه و افساد فی الارض را دو عنوان جداگانه قلمداد کرده است. ایشان هر چند در آیه ی ۳۳ سوره ی مائده ذکر می‌کند در مورد افساد فی الارض ننموده، ام، در آیه ی ۳۲ سوره ی مائده، قطع طریق را که از مصادیق محاربه می‌باشد. جدا دانسته و آنها را دو عنوان مجزا قلمداد نموده است. در مقابل گروهی دیگر چنین اعتقاد دارند که در آیه مذکور تنها عنوان محاربه مطرح شده و جمله (یسعون فی الارض فساداً) نیز جنبه ی تأکیدی دارد و عقیده ایشان بر آن است که (واو) میان کلمات «یحاربون» و «یسعون» از نوع عطفی بوده و کلمات مذکور صله می‌باشند و به وسیله آن به یکدیگر مربوط شده اند و این دلالت بر جمع بین آنها دارد به این معنا که تحقق جرم مذکور نیازمند این است که هم محاربه حادث شود و هم افساد فی الارض و این در حالی است که اگر قصد و انگیزه در بیان حکم دو عنوان بوده باشد، را می‌بایست کلمه «الذین» را مجدداً تکرار می‌نمود. به عبارت

دیگر این گروه معتقد هستند که محاربه هر نوع فساد است که در زمین ایجاد می شود، یعنی ایجاد اختلال در امنیت جامعه از طریق ترسانیدن که اصولاً جز با به کار بردن اسلحه و تهدید و قتل صورت نمی گیرد.

در بین حقوقدانان هم دکتر شامبیانی اعتقادشان بر این است که جرم «محاربه» و «افساد فی الارض» دو عنوان مجزا نیستند بلکه برای اعمال مجازات موضوع ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی (ماده ۲۷۹) که برگرفته از آیه ی ۳۳ سوره ی مائده می باشد، بایستی هم فساد در زمین اتفاق بیفتد و هم محاربه، به عبارت دیگر محاربه و افساد هر یک جزئی از سبب هستند و مجازاتهای چهارگانه مسبب می باشند لذا مقوله آنها سبب و مسبب است. یک جزء سبب بدون جزء دیگر موجب مجازات نمی شود، بلکه تنها وقتی که محاربه و افساد با هم وجود پیدا کنند، به دنبالش مجازات اعمال خواهد شد که مسبب است.

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سعی در رفع این مشکل نموده و در ماده ۲۸۶ قانون مذکور جرم افساد فی الارض را به طور مستقل از جرم محاربه جرم انگاری کرده است. تعریف بسیار گسترده و بی ضابطه افساد فی الارض در آن ماده و گسترش آن به عمده جرایم علیه تمامیت جسمانی، معنوی، جرایم مالی و اقتصادی، جرایم علیه امنیت و جرایم ضد اخلاقی و ضد عفت عمومی و استعمال عباراتی نظیر گسترده، شدید، عمده، و وسیع در بیان کیفیت وقوع آن جرمها و نتایج و پیامدهای آنها موجب میشود که قضات در تفسیر این عبارات از اختیارات نامحدودی برخوردار بوده و به تشخیص خود متهم را به حد افساد فی الارض محکوم نمایند. در این صورت حقوق و آزادیهای فردی در معرض نقض بیشتری قرار خواهد گرفت. بنابراین میتوان گفت که تعریف بیان شده از جرم افساد فی الارض در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، کاملاً معایر با اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها میباشد چرا که این تعاریف از وضوح و روشنی کافی برخوردار نیستند. بنابراین حذف عنوان کلی و مبهم افساد فی الارض از کلیه قوانین و یا دست کم محدود کردن دایره آن و ارائه تعریفی مشخص و تفسیر ناپذیر از آن پیشنهاد می شود. (مستجاب الدعواتی و محمدی فر، ۱۳۹۷).

– سیاست جنایی مقنن در رابطه با امنیت

بزه های ضد امنیت ملی به عنوان دسته بندی جداگانه از جرایم در حقوق کیفری ایران کمتر شناخته شده است و باید این دسته از بزه ها را برابر با جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور دانست؛ به عبارت دیگر جرایم علیه امنیت ملی به برجسته ترین جرایم امنیتی که با یکپارچگی نظام مردمی یا حاکمیت سرزمینی یا امنیت داخلی در سطح کلان مرتبط است، انگشت می گذارد. جرایم ضد امنیت ملی در سنجش با دیگر دسته بندی ها از جرایم دارای ویژگی هایی است که قانونگذاری شایسته در پیوند با این بزه ها و نیز شناخت و بررسی حقوقی و قضایی آنها مگر با شناخت این ویژگی ها شذنی نخواهد بود. این ویژگی در بیشتر نظام های حقوقی دیده می شود ولی در نظام حقوقی ایران به اندازه ای برجسته است که امروزه گستره این بزه ها تنها آن چیزی نیست که در قانون می توان دید و بلکه عنوان های شعاری و سیاست زده ای همچون «اقدام علیه امنیت ملی» یا «انقلاب نرم یا مخملی» به دادگاه های انقلاب راه یافته است. بدین حال بیان سیاست هایی که مقنن در مسائل امنیتی همواره مدنظر قرار داده و ویژگی هایی که مقنن برای بزه های ضد امنیت ملی مطمح نظر قرار داده و در ذیل به آن اشاراتی می رود، مسائلی است که در قوانین کیفری ایران می توان مشاهده نمود و گرته ویژگی ها و ملاحظات دیگری نیز در رویه قضایی

ایران (دادگاه انقلاب و یا دادسرای انقلاب) می‌توان یافت که با سنجه‌های قانونی و بخردانه همخوانی ندارد و نوعی سخت‌گیری سیاسی می‌تواند تلقی شود. با این حال حتی این ویژگی‌ها نیز که در قوانین مشاهده می‌شود نیز همگی با سنجش خرد، پذیرفتنی نیستند که در زیر همان ویژگی‌های کوشش خواهد شد تا به کاستی‌ها و انتقادات وارد بر آن پرداخته شود (رزینی و همکاران، ۱۳۹۹). از جمله برجسته‌ترین ویژگی‌های جرایم ضد امنیت ملی (سیاست مقنن در قبال این جرایم) به شرح زیر است:

-بزه انگاری گسترده

امنیت، شاه‌کلید اجرای قوانین و پدیدآوردن نظم و آرامش و پیشرفت در کشور است و از این رو قانونگذار هرگونه رفتار مخاطره‌آمیز برای امنیت را برنناخته و به گونه‌های گوناگون در جرم انگاری و بستن روزنه‌های رفتارهای مخاطره‌آفرین قانون کشیده است. دلهره قانونگذار در بزه انگاری رفتارهای تهدیدآمیز از دو چیز سرچشمه می‌گیرد. یکی اینکه به شهروندان یا کسان بیگانه اعتماد چندانی نداشته و بدان امید نیست که چندی با آرامش و آسایش با شهروندان به سر برد. از این در می‌کوشد تا اگر روزی شهروند یا شهروندانی برضد دولت کنشی روا داشتند یا به خواسته‌های حاکمیت پروایی نداشتند، آنها را کیفر دهد ولی چون نمی‌داند که شهروندان چه خواهند کرد و به چه حال امنیت دولت را تهدید خواهند کرد از بزه انگاری گسترده بهره می‌برد.

دیگر اینکه قانونگذار محدوده امنیت و آزادی را نمی‌داند و با آنکه می‌باید برای پاسداری از هر دو بکوشد ولی سرانجام سمت امنیت ملی رفته و چون حوزه این واژه برایش ناشناخته است. سنجه‌های بزه انگاری را پاس نداشته و به بزه انگاری گسترده روی می‌آورد. این رویکرد بیشتر در کشورهای نامردم سالار بوده که امنیت را بر آزادی برتری می‌دهند. در این کشورها پیوند امنیت ملی با ماندگاری فرمانروایی بیشتر از پیوند امنیت ملی با حقوق و آزادی‌های شهروندان است (عالی‌پور، ۱۳۸۸).

برخی از مهمترین اشکال جرم انگاری وسیع در باب امنیت ملی عبارتند از:

الف) توسعه مصداق‌های رفتار مجرمانه: در برخی موارد، قانونگذار با استعمال اصطلاحات عام و کلی سعی در توسعه بی حد و حصر قانون جزا نسبت به مصادیق رفتاری مخاطره‌آمیز برای امنیت ملی دارد؛ به عنوان مثال طبق ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ هر نحو فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمان‌های مخالف نظام مستوجب کیفر شناخته شده است. مشخص است که واژه‌های «به هر نحو» نسبت به رفتار فیزیکی فعالیت تبلیغی و یا «به نفع گروهها و سازمان‌های مخالف نظام، فارغ از اینکه تبلیغ علیه نظام باشد یا نباشد، به چه میزان رفتارهای افراد را تحت شمول این ماده قرار می‌دهد.

ب) توسعه جرم انگاری به رفتارهای غیرعمدی: مقوله امنیت ملی به اندازه‌ای حساس است که علیرغم اینکه حقوق کیفری قصد و عمد را مجازات می‌کند، در این مقوله حتی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی را نمی‌پذیرد و شهروندان به ویژه افرادی که وظایفی بر عهده آنها قرار داده شده است را به هوشیاری کامل در باب امنیت فرا می‌خواند. علی‌رغم اینکه اصل بر عمدی بودن جرایم است و اصولاً فلسفه کیفر در کنترل اراده‌های آگاه ناقض مقررات است اما استثنائاً رفتارهای از روی تقصیر افراد نیز بعضاً در دایره جرم انگاری قرار می‌گیرد که این استثنائات در حوزه‌های

امنیتی بیشتر است. ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در مورد بی‌مبالاتی در تخلیه اطلاعاتی شدن، ماده ۲۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در مورد بی‌مبالاتی در افشای اسناد و ماده ۸ قانون راجع به مجازات اخلاک‌گران در صنایع نفتی ایران مصوب ۱۳۳۶/۷/۱۶ در مورد اخلاص در صنایع نفت در اثر غفلت یا بی‌مبالاتی از نمونه های جرم انگاری رفتارهای غیرعمدی است.

ج (تبدیل مصادیق رفتاری معاونت به جرم مستقل: معاونت در جرم یک مقوله تبعی نسبت به شرکت و مباشرت در جرم است و در حقوق کیفری کشور ایران در صورتی معاون قابل کیفر است که رفتار مجرمانه از سوی مباشر یا شرکای جرم صادر شود و بین مرتکب یا مرتکبین و معاون جرم وحدت قصد وجود داشته باشد. اما در حوزه های امنیتی، قانونگذار در برخی موارد مصادیق رفتاری معاونت را به عنوان جرم مستقل پیش بینی کرده است و منتظر وقوع رفتارهای مجرمانه ای که معاون آن را خواستار شده، نمی‌نشیند. جرایمی همچون تهدید به بمب گذاری (ماده ۵۱۱ ق.م.ا)، تحریک به عصیان و فرار (ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در اصل از مصادیق معاونت می‌باشند که برچسب مجرمانه جداگانه خورده اند. حتی در برخی مواقع مصادیق رفتاری معاونت را فراتر از آنچه قانون مجازات اسلامی پیش بینی کرده است، مقرر می‌کند. به عنوان مثال طبق بند ۶ ماده واحده قانون مجازات اخلاص کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴ کسانی که از تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا مقدمات ارتکاب جرایم مندرج در این قانون مطلع شده و جریان را به مقامات ذیصلاح اعلام ننمایند به مجازات معاون محکوم خواهند شد.

د (جرم انگاری مقدمات جرم: به موجب تبصره یک ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی، مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشند شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست. در حال حاضر حتی در مقررات جزایی شروع به جرم مگر در مواردیکه صراحتاً قابل کیفر شناخته شده باشد، جرم به شمار نمی‌رود و به طریق اولی تدارک مقدمات جرم که یک مرحله قبل از شروع به عملیات اجرایی است، نمی‌تواند عنوان مجرمانه به خود بگیرد؛ زیرا مقدمات جرم از یک طرف نمی‌تواند سوء نیت مرتکب یا قصد ارتکاب رفتار مجرمانه وی را هویدا سازد و از طرف دیگر متضمن هیچگونه ضرر عینی و ملموس چه برای فرد و چه برای جامعه نیست. اما در دایره امنیت، قانونگذار برای دفع هرگونه ضرر علیه امنیت بعضاً مقدمات جرم را به عنوان جرمی جداگانه و قابل کیفر معرفی کرده است؛ به عنوان مثال سوء قصد به جان رهبر یا هر یک از رؤسای قوای سه گانه (ماده ۵۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵)، سوء قصد به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران (ماده ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵)، فراهم ساختن وسایل ارتکاب جرایم بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور (ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵) در ردیف جرم انگاری مقدمات جرم قرار می‌گیرند. این قسم از جرم انگاری که در حوزه های امنیتی بیشتر به چشم می‌خورد به جرم انگاری بازدارنده مشهور است تا با پیش بینی مراحل اولیه جرایم بزرگ به عنوان یک جرم جداگانه، سدی برای وقوع این جرایم ایجاد شود. (رزینی و همکاران، ۱۳۹۹).

-شدت مجازات

از آنجا که رفتارهای مجرمانه علیه امنیت ملی نسبت به سایر جرایم بیشترین تأثیر را بر نظم و امنیت عمومی می‌گذارد و اصولاً موجب بی‌اعتمادی عمومی نسبت به قدرت دولت در کنترل ناامنی و به تبع آن سست شدن پایه‌های قدرت و حاکمیت سیاسی می‌شود، قانونگذار شدیدترین مجازات‌ها را برای جرایم علیه امنیت پیش‌بینی کرده است و حتی در کشورهایی که مجازات اعدام لغو شده است، استثنائاً در مهمترین جرایم علیه امنیت ملی هنوز کیفر اعدام در زرادخانه کیفری شان به چشم می‌خورد.

در حقوق کیفری کشور ایران، جرایم علیه امنیت عمده‌تاً با مجازات اعدام یا مجازات محارب توأم شده‌اند و حتی خود محاربه که به استناد ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، و با توجه به متون فقهی صرف اسلحه کشیدن برای ترساندن مردم است، با مجازات‌های سنگین منع شده است. شدت عمل قانونگذار گاهی از حد عقلانیت می‌گذرد و افراد را با توجه به موقعیتی که در آن قرار دارند، به خاطر رفتارهایی همچون خواب یا ترک محل نگهداری به بدترین شکل کیفر می‌دهد. به موجب ماده ۴۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ هر نگهبان که محل نگهداری خود را بدون مجوز ترک نماید، در صورتی که عمل وی موجب اخلال در نظام و به هم خوردن امنیت کشور گردد به مجازات محارب محکوم می‌شود. جالب اینکه بر اساس ماده ۴۴ قانون مورد بحث اگر اخلال در نظام و بهم خوردن امنیت کشور در اثر خواب ارادی یک نظامی در حین نگهداری باشد، باز هم مجازات محارب را خواهد داشت.

شدت مجازات در جرایم امنیتی موقعی خطرناک می‌شود که مقنن مجازات‌های سنگین و از جمله اعدام را ارجاعی نماید. در قوانین کیفری به کُرأت ملاحظه می‌شود که قانونگذار، مجازات رفتار مجرمانه را در حکم محاربه دانسته یا به مجازات محارب ارجاع داده است و از آنجائیکه طبق ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، برای محاربه چهار مجازات در نظر گرفته شده است، ممکن است قاضی مجازات سنگین قتل را برای یک جرم امنیتی متوسط و مجازات نسبتاً خفیف تبعید را برای یک جرم امنیتی بزرگ در نظر بگیرد.

در هر حال، در باب امنیت، قانونگذار از فلسفه و اهداف مجازات فاصله می‌گیرد و آن چیزی که مورد هدف قرار می‌گیرد، حفظ امنیت با دستاویز شدیدترین ضمانت اجراهاست (اشکان و معصومی، ۱۳۹۶).

- بررسی جرایم در حکم محاربه در قوانین جزایی

پیش از آنکه مصادیق محاربه در قانون را بررسی نماییم، باید معنای چند تعبیر را مشخص سازیم. در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین جزایی (مانند قانون جرائم نیروهای مسلح)، در ذکر مجازات جرم محاربه بیان می‌دارند:

باید دانست میان جرمی که مجازات محارب دارد با جرم محاربه تفاوت وجود دارد. گاهی قانونگذار، از برخی ضوابط و اصول جزایی عدول می‌کند و مجازات یک جرم را برای جرمی دیگر بدون وجود رابطه علیت میان آن دو جرم و بدون توجه به اصل مسلم تناسب جرم و مجازات به کار می‌گیرد.

برای نمونه، در تبصره (۱) ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی، آتش زدن عمارت، بنا، کشتی، هواپیما، کارخانه، انبار و هر محل مسکونی یا معد برای سکنی، جنگل، خرمن، یا هر نوع محصول زراعی یا اشیاء، مزارع، باغهای متعلق به

دیگری را، اگر با قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد، مشمول مجازات محارب می‌داند چه اموال متعلق به دولت باشد یا نباشد. در حالی که اجماع فقها، نظر بر این دارد که عنوان محاربه، به کسی تعلق می‌گیرد که سلاح بکشد. در اینجا، چون کشیدن سلاح در تحقق جرم، نقشی نداشته است، به نظر می‌رسد اعمال مجازات محارب قابل بررسی بیشتر می‌باشد.

همچنین تبصره (۱) ماده ۶۷۸ نیز برای تخریب، تحریق، از کار انداختن و هر نوع خرابکاری در تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه های آب و فاضلاب برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن، مراکز فرکانس و مخابرات، رادیو و تلویزیون، سد، کانال، خطوط انتقال نیرو و مخابرات و نیز علائم راهنمایی و رانندگی به شرطی که عمل فوق به منظور اخلاص در نظم و امنیت جامعه و با مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را در نظر گرفته است. در مورد فوق، بنابر نص ماده ۶۸۷ فرقی ندارد که این تأسیسات به هزینه یا سرمایه دولت باشد یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی باشد و یا اینکه به طور کامل توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی باشد. آنچه مهم است این است که موضوع تحریق و ... وسائل و تأسیساتی باشد که مورد استفاده عمومی باشد. در این ماده نیز عدول نامناسب را می‌بینیم.

در ماده ۷۲ قانون مجازات نیروهای مسلح، تحریق، آتش زدن تأسیسات یا ساختمان های نظامی، کشتی و هواپیما و امثال آنها، انبارها و راههای ارتباطی و مخابراتی، ملزومات جنگی و مهمات و... در صورتی که مرتکب نظامی باشد و به قصد برات و ایجاد فساد باشد، مجازات محارب را در نظر گرفته است.

در ماده (۲۰) همان قانون نیز، از فرماندهان یا مسؤولان نظامی که پس از دریافت دستور توقف عملیات جنگی، عملیات را ادامه دهند، در صورتی که عمل آنها، موجب افساد و یا اخلاص در نظام و شکست جبهه اسلام شود، مجازات محارب را در نظر گرفته است. ایرادی که بر این ماده است اینکه قصد مجرمانه را مفروض دانسته است. یعنی ممکن است فرمانده و یا مسؤول نظامی، قصد افساد و اخلاص در نظام و یا شکست جبهه اسلام را نداشته باشد و حتی انگیزه او در ادامه عملیات جنگی، انگیزه یی شرافتمندانه بوده باشد ولی با این وجود به خاطر ترمز از فرمان مافوق خود به مجازات محارب محکوم می‌شود.

این امر با ضوابط حاکم بر حقوق جزا سازگاری ندارد، زیرا که برای جرم دانستن یک عمل باید دو رکن مادی و معنوی وجود داشته باشد. در اینجا، بدون اینکه رکن معنوی جرم که شامل سوء نیت عام و سوء نیت خاص است، ثابت شود، حکم به مجازات محاربه برای چنین عملی داده اند. ایراد دیگر واژه «جبهه اسلام» می‌باشد که با توجه به آن، اگر طرفین جبهه، هر دو از مسلمین باشند و هر دو از شیعیان باشند، این پرسش مطرح می‌گردد که به کدامیک جبهه اسلام باید گفت که اگر شکست حادث شد، این مجازات اعمال شود؟

یکی دیگر از موارد عدول قانونگذار از ضوابط مربوط به محاربه، ماده (۹) قانون مبارزه با مواد مخدر است. این ماده در بیان مجازات تکرار (برای بار چهارم) جرم ورود، تولید، توزیع، صادر کردن، خرید و فروش، در معرض فروش قرار دادن، نگهداری، مخفی کردن، حمل کردن هروئین، مرفین، کدئین، متادون و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین، کوکائین، عصاره شیمیایی حشیش، روغن حشیش، و... می‌گوید: «در مرتبه چهارم، چنانچه مجموع مواد مخدر در

اثر تکرار به سی گرم برسد، مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود.» با دقت در آخرین عبارت ماده فوق، روشن می شود که این ماده حتی از آنچه که در قانون مجازات اسلامی پذیرفته است، عدول کرده است. زیرا که در آن ماده، دیدگاه اختیاری بودن اعمال مجازات محاربه پذیرفته شده بود ولی در اینجا از این قاعده نیز عدول شده است و قاضی ملزم است که مجازات اعدام را اعمال نماید. همچنین محارب دانستن مرتکب جرم فوق برخلاف ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، می باشد که شرط کشیدن سلاح را لحاظ کرده است. ماده ۱۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح می گوید: فرمانده هر قسمت نظامی که با دشمن قرارداد تسلیم منعقد کند، هرگاه تصمیم متخذه، موجب خلع سلاح عده تحت فرماندهی یا اسارت نیروها یا تسلیم آنچه که دفاع و حفاظتش به عهده اوست بشود، در حکم محارب است.

بنابر ماده فوق، یکی از مجازات های مصرح در ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اعمال می شود. حال باید پرسید، چگونه حکم محارب را در مورد این فرد می توان اعمال نمود. اگر حکمی بخواهد اعمال شود باید شرایط و زمینه های اعمال آن حکم فراهم گردد و در اینجا باید پرسید کدام یک از ضوابط محاربه (سلاح کشیدن همراه با قصد مقابله با حکومت اسلامی، مقابله با خدا و رسول او و ...) در اینجا وجود دارد. این ماده نیز از جمله موادی است که به رکن معنوی جرم توجه ننموده است. برای نمونه، اگر فرمانده یک سپاه از هر جهت راهی برای مقابله با دشمن نداشته باشد و در شرایط اضطرار قرارداد تسلیم را امضا کند، به علت آنکه این ماده، هیچ قید و شرطی ندارد، به مجازات محارب محکوم خواهد شد. آیا اعمال این مجازات برای فردی که قصد فعل و قصد نتیجه را ندارد، رواست؟

از مصادیق دیگر محاربه در قانون، قیام مسلحانه می باشد که در ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ آمده بود، قیام مسلحانه با فرد قابل تصور نیست بلکه با گروه و یا جمعیت متصور می شود. همچنین بقای مرکزیت گروه، از شرایط تحقق قیام مسلحانه و اعمال مجازات محاربه می باشد. بنابراین، هر گروه و جمعیت مشمول ماده فوق نمی شود. همچنین قیام مسلحانه باید در مقابل حکومت اسلامی باشد و به قصد فساد باشد. این ماده تا اندازه یی ضوابط مربوط به محاربه را رعایت نموده است که از این نظر شایسته تقدیر است.

یکی دیگر از مصادیق قانونی محاربه ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) می باشد. این ماده اشعار می داشت: «کسانی که طرح براندازی حکومت اسلامی را داشته باشند و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کنند محارب خواهند بود». این ماده همچنین، کسانی را که با آگاهی و اختیار، امکانات مالی مؤثر و یا وسائل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند، محارب و مفسد فی الارض می شناخت. حال باید پرسید که اولاً در مورد محاربه گفتیم که اجماع فقهاء، کشیدن اسلحه یا به عبارت دیگر، استفاده از اسلحه را همراه با قصد فساد، شرط محاربه می داند که در اینجا، تنها تهیه اسلحه بدون آنکه بتواند از آن استفاده کند، جرم محسوب شده است. به عبارت دیگر مجازات شروع به جرم و جرم را یکسان قلمداد کرده است و فرقی میان شروع به جرم و جرم قائل نشده است. این عدول از مهمترین ضابطه شناخته شده در حقوق جای سوال است. نکته دیگر در این ماده برابری مجازات معاون جرم و مباشر جرم است. معاون جرم فردی است که دست در خمیره جرم فرو نمی برد. تنها از دور ناظر وقوع جرم است و مباشر را تشویق و تحریک به انجام جرم می کند.

از دیگر مصادیق محاربه، تشکیل یا اداره جمعیت و یا شرکت و یا معاونت در جمعیتی است که به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی باشد، با این شرط که مرتکب عمل فوق، نظامی باشد. این مورد، در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح بیان شده است. بنابراین، مجرد تشکیل یا اداره جمعیت، می تواند کافی باشد تا مجازات محارب اعمال شود. در اینجا نیز قانونگذار انجام عملی را محاربه فرض کرده است که در واقع چنین نیست. شاید عمل فوق را بتوان شروع به جرم محاربه دانست ولی نمی توان آن را محاربه نامید. چرا که تا وقتی، این جمعیت، اقدامات خود را علیه نظام اسلامی شروع نکرده باشد، نمی تواند محارب فرض شود. ماده ۵۱ قانون مجازات نیروهای مسلح از دیگر موارد مفروض محاربه است. در این ماده، هر نظامی که به طرف دشمن فرار می کند و فرار او موجب تقویت دشمن می شود، محارب محسوب و به مجازات محارب محکوم می شود. در اینجا نیز قانونگذار بدون آنکه سوء نیت مرتکب عمل فوق را در اعمال مجازات لحاظ کند، بدون هیچ گونه قید و شرطی، موضوع را به محاربه احاله داده است. البته همانگونه که در مورد سایر مواد قانونی، صحبت کردیم، این تنها موردی نیست که اساسی ترین اصل جرم انگاری که همانا احراز سوء نیت است، زیر پا گذاشته شده است. نمونه های دیگری از این عمل، در مواد ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، قانون جرائم نیروهای مسلح آمده است. طبق مواد فوق الذکر، فروش حیف و میل، رهن گذاشتن اشیای نظامی، مخفی کردن این وسائل، استفاده غیرمجاز از وسائل نظامی، وارد آمدن خسارت یا فقدان یا از بین رفتن اسلحه، مهمات و اشیاء، اموال و لوازم متعلق به دولت یا آنچه در اختیار دولت است، در اثر بی احتیاطی نظامی یا عدم اجرای مقررات، در صورتی که منجر به اخلاص و افساد و شکست جبهه اسلام گردد، باعث می شود تا مرتکب اعمال فوق، محارب محسوب شود. در اینجا نیز نه ظاهر این جرائم با محاربه سازگاری دارد و نه ضوابط مربوط به محاربه در اینجا به چشم می خورد. در حالی که از دیدگاه فقهی، هیچ یک از اعمال فوق، محاربه محسوب نمی شود. همچنین در ماده ۶۵ قانون فوق که حتی بی احتیاطی نظامی و عدم اجرای مقررات، با شرط شکست جبهه اسلام، محاربه محسوب شده، نمونه یی دیگر از عدول از ضوابط حاکم بر قانون نویسی و حقوق جزا مشاهده می شود (محمدی کراچی، ۱۳۹۴).

۴- جمع بندی و تفسیر نتایج

محاربه از لحاظ فقهی مختصات خاص خود را دارد. برای تحقق محاربه همان طور که در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی هم به پیروی از متون فقهی آمده است، وجود دو پایه اساسی ضرورت دارد: یکی برکشیدن سلاح توسط محارب که ناظر به رکن مادی جرم محاربه است و دیگری وجود قصد ارعاب مردم که ناظر به سوءنیت خاص محارب است. با این وصف هرگاه رفتاری مثلاً احتکار، فاقد این دو پایه مهم باشد، در قلمرو جرم محاربه قرار نمی گیرد. از طرف دیگر «افساد فی الارض» عنوان خاص مستقل مجرمانه ندارد و فقط وصف محاربه است. لذا قانونگذاری هایی از قبیل ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ که اختلاس کنندگان را در مواردی مصداق مفسد فی الارض می داند، فاقد توجیه شرعی است. علاوه بر آن با توجه به اینکه مخاطب محارب مردم اند، نه حکومت، قلمرو جرم محاربه از «بغی» نیز مشخص می گردد. لذا موادی چون مواد ۱۸۶ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰ که قیام کنندگان علیه حکومت را مصداق محارب دانسته، نیز فاقد توجیه شرعی است. پس از تعیین دقیق قلمرو جرم محاربه نوبت به بررسی اجزای رکن مادی آن می رسد که در این خصوص عمل مرتکب عبارت از برکشیدن سلاح به روی مردم است. مفهوم سلاح نیز همان مفهوم عرفی آن است،

لذا شامل سلاح‌های اسباب بازی و پلاستیکی و چیزهایی که عرف آنها را سلاح نمی‌داند، مانند چوب، سنگ و عصا هم نمی‌شود. موضوع جرم یعنی آنچه جرم روی آن واقع می‌شود نیز از اهمیت اساسی برخوردار است؛ چون تمیز دهنده جرم محاربه از مفهوم «بغی» است. موضوع جرم در محاربه عبارت از امنیت مردم به نحو مستقیم است. از حیث نتیجه هم جرم محاربه از جرائم مقید است، به این معنا که تحقق محاربه منوط به حصول نتیجه مجرمانه یعنی «ارعاب مردم» است. به عبارت دیگر علاوه بر آنکه محارب بایستی از حیث رکن روانی قصد ارعاب مردم را داشته باشد، عملاً هم مردم مخاطب او بایستی بترسند. لذا اگر با وجود برکشیدن سلاح توسط فردی هیچ رعب و هراسی در افراد مخاطب ایجاد نشود، جرم محاربه هم محقق نیست. در نهایت از حیث رکن روانی هم علاوه بر لزوم وجود رفتار ارادی مرتکب در برکشیدن سلاح، قصد ارعاب مردم نیز ضروری است.

مراجع

- ✓ اشکان، رضا؛ معصومی، مجید (۱۳۹۶). بررسی شدت با قاطعیت مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، کنگره بین‌المللی حقوق شهروندی، تهران، <https://civilica.com/doc/806901>
- ✓ پوربافرانی، حسن (۱۳۹۰). تحلیل جرم محاربه. مجله مطالعات حقوقی معاصر. ۳(۴): ۷۸-۴۹.
- ✓ پوربافرانی، حسن (۱۳۹۰). تحلیل جرم محاربه. مجله مطالعات حقوقی معاصر. ۳(۴): ۷۸-۴۹.
- ✓ هیرپور، محمدرضا؛ نورمحمدی، حسین (۱۳۹۷). چالش‌های حقوقی-قضایی جرم افساد فی‌الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. پژوهش حقوق کیفری، ۶(۲۲): ۲۳۲-۲۰۵.
- ✓ سالارزایی، امیرحمزه (۱۳۸۸). برداشتی دیگر از آیه ۳۳ سوره مائده، <https://civilica.com/doc/864399>
- ✓ سرخه، محمود (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی جرایم علیه امنیت داخلی در حقوق ایران و کویت - سوریه - چین، کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی، گرگان، <https://civilica.com/doc/391029>
- ✓ شریفی، عنایت‌الله؛ محجوب، سعید (۱۳۹۱). افساد و مفسدان فی الارض از منظر قرآن کریم، <https://civilica.com/doc/684528>
- ✓ عالی‌پور، حسن، (۱۳۸۸). جرایم ضد امنیت ملی، تهران، خرسندی.
- ✓ علوی، سیدامیرعباس؛ فرزاد فر، اشکان (۱۳۹۸). بررسی جرم بغی و محاربه در مذاهب اسلامی و حقوق ایران، دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی، تهران، <https://civilica.com/doc/1118204>
- ✓ محمدی کراچی، امین (۱۳۹۴). بررسی جرائم در حکم محاربه، نخستین کنفرانس سراسری پژوهش‌های نوین در حقوق و علوم اجتماعی، شیراز، <https://civilica.com/doc/512685>
- ✓ مستجاب الدعواتی، سیدعلی؛ محمدی فر، علی (۱۳۹۷). بررسی فقهی حقوقی جرم محاربه و مقایسه آن با افساد فی الارض و بغی، هفتمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، <https://civilica.com/doc/882700>
- ✓ ملک آستانه، فاطمه؛ سلمانی، فاطمه؛ سلمانی، سعید؛ حسنی، محمدحسن (۱۳۹۴). نقد محاربه در قانون مجازات اسلامی جدید، اولین کنفرانس بین‌المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام

- | | | | | | |
|-------|---------|--------|---------|--------|--------|
| جهانی | مدیریت، | سیاست، | اقتصاد، | فرهنگ، | امنیت، |
|-------|---------|--------|---------|--------|--------|
- حسابداری)، تهران،،، <https://civilica.com/doc/402419>
- ✓ میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۶). حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
- ✓ میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۶). حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
- ✓ میوه یان، میلاد (۱۳۹۷). جرایم علیه امنیت، اولین همایش بزرگ مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی، تهران، <https://civilica.com/doc/946234>
- ✓ میر محمد صادقی؛ میر حسین، (۱۳۹۲). حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، انتشارات میزان، تهران.
- ✓ هادیان، حامد؛ هادیان، مهدی؛ حیدری، محمدعلی (۱۳۹۶). مطالعه جرم محاربه در فقه و حقوق کیفری ایران، همایش بین المللی حقوق و فقه اسلامی، تهران،،، <https://civilica.com/doc/750294>
- ✓ هزیر، زینب (۱۳۹۹). بررسی جرم محاربه با توجه به قانون مجازات اسلامی، کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام، کرج،،، <https://civilica.com/doc/1118503>
- ✓ یغمایی، محمدرضا (۱۳۹۲). محاربه و تروریسم در قانون جدید مجازات اسلامی. ناشر: سخنوران.